

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

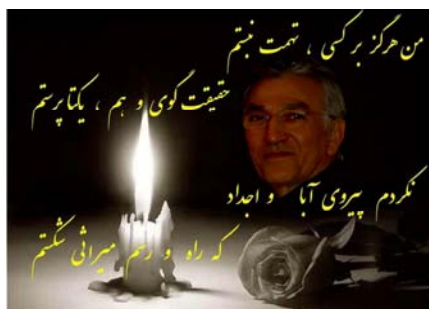
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۰۸ فبروری ۲۰۲۰



به استقبال و پذیره یکی از سروده های آقای صحرانی مُعَنُون به (درس عشق) نشیده ناچیز بنام (دستِ ادب)
رقم و تقدیم است.

دستِ ادب

صحرائی! از زبانت، باید شنیدن آموخت
نغز سروده هایت، کشتِ غزل نموده
شهد و شراب و شکر، میریزد از کلامت
خواننده مست گشته، سر میزند به صحرا
تغ سخن شد عریان، به ضد شیخ و ملا
بی پرده فاش گفتن، بی ترس و بیم و پروا
از کهنه ها گریزان، با تازه ها به میدان
با جمله اهلِ عالم، یار و رفیق و همدم
در محضر تو «نعمت»، دستِ ادب ستاده
وز سفته های نابت، لب را گزیدن آموخت
مرغ دل عزیزان، دُرِ دانه چیدن آموخت
وز باده بیانیت، مستی چشیدن آموخت
تا از غم زمانه، خود را رهیدن آموخت
تاریشه تعصب، زیشان بریدن آموخت
تن پوشِ حرف و گپ را باید دریدن آموخت
اندیشه، فکر و باور، نو آفریدن آموخت
با مهر و با محبت، اُلفت گزیدن آموخت
حرف و گپ و سخن را، کم کم جویدن آموخت